

مقدمه مترجمان

از جمله مشکلات موجود در پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، کمبود گاه‌نگاری مطمئن ادوار پیش از تاریخ و در پی آن شناخت ناکافی از مواد فرهنگی دوره‌های مختلف مناطق گوناگون آن است. سرزمین ایران به دلیل گستردگی و جغرافیای متنوع خود، تأثیرات مستقیمی بر فرهنگ مردمان پیش از تاریخ گذاشته است و همین عامل باعث گوناگونی اشیاء و موادی است که از پژوهش‌های باستان‌شناختی مناطق مختلف آن به دست می‌آیند. از این رو ممکن است اکتفای باستان‌شناسان به مواد فرهنگی منطقه‌ای خاص از ایران، برای سایر قسمت‌های آن کارساز نباشد. جهت برطرف ساختن این مشکل، شناخت مواد فرهنگی هر منطقه خاص، رده‌بندی، طبقه‌بندی و ارائه جدول گاه‌نگاری منطقه‌ای بسیار ضروری است و تا زمانی که مشکل حاضر مورد توجه قرار نگیرد، طرح سایر مباحث که معمولاً بر پایه قیاس و استنتاج از شباهتها و یا تمایزهای طبقات مواد فرهنگی است نیز بی‌نتیجه خواهد بود. اهمیت طبقه‌بندی مواد باستان‌شناختی که مبنای اصلی مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناختی را تشکیل می‌دهد و به عبارتی زیربنای اساسی هر نوع ساختارهای گاه‌نگاری نیز بر آن استوار است، بدون هیچ توضیحی برای باستان‌شناسان آشکار است. باستان‌شناسان در یک فرایند روشمند و بسیار پرزحمت، یافته‌ها را شناسایی و سپس بر اساس قواعدی آنها را در طبقات مشخصی قرار می‌دهند. این کار علاوه بر اینکه مطالعات آنها را تسهیل می‌کند و باستان‌شناسان را به نتایج دلخواه رهنمون می‌گردد، مزایای دیگری نیز دارد که از آن جمله استفاده سایر پژوهشگران از اطلاعات نام‌برده است. این بحث و رابطه آن با ارزش داده‌های طبقه‌بندی شده، مهم‌ترین دلیل ترجمه کتاب حاضر است. کتاب عصر آهن پشتکوه، لرستان، گام بسیار مهمی در این راستاست و نویسندگان آن با توانایی فراوانی توانسته است هزاران قطعه از باارزش‌ترین آثار فرهنگی این مرزوبوم را در یک روند کاملاً علمی و طاقت‌فرسا، پس از شناسایی، مورد

طبقه‌بندی مطالعاتی قرار دهد و آن را در این کتاب به خوانندگان و علاقه‌مندان هدیه نماید. این کتاب با دقت به تاریخ‌گذاری اشیاء به دست آمده از گورستانهای ناحیه کوه‌دشت پرداخته و بر اساس اشیاء کاوش شده، اسناد، کتاب و عکس گورستانهایی که پیش‌تر در ایران کاوش شده بودند، نگاشته شده است.

هیئت باستان‌شناسی بلژیک در ایران به سرپرستی واندنبرگ، کاوشهای متعددی را در گورستانهای زاگرس در سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۹ به انجام رساند. کاوش ۱۱ گورستان متعلق به عصر آهن I و II (۱۲۵۰/۱۳۰۰ تا ۷۵۰/۸۰۰ ق.م) فقط بخشی از این پژوهشهاست. یافته‌های ارزشمندی که بیشتر در منطقه پشتکوه و نواحی اطراف آن توسط واندنبرگ کاوش شده‌اند، در گزارشها و مقالات متعددی به چاپ رسیده‌اند، اما کتابهایی که جمع‌بندی داده‌های به دست آمده را در یک چهارچوب گاه‌نگارانه برای دوره‌های مختلف دارا باشند، بسیار معدودند و کتاب حاضر این وظیفه را به خوبی به انجام رسانده است. علاوه بر این، انتشار نتایج به دست آمده توسط واندنبرگ به زبان فرانسوی نیز تا حدود زیادی استفاده از آنها را برای بیشتر پژوهشگران ایرانی با مشکل مواجه کرده است. کتاب عصر آهن پشتکوه، لرستان به طور تخصصی به بخشی از عصر آهن منطقه‌ای خاص از زاگرس پرداخته و از مزایای آن، دسترسی به داده‌های کاوش شده در دانشگاه گان، موزه سلطنتی تاریخ و هنر بروکسل و موزه ملی ایران به راهنمایی دکتر ارنی هرینک که خود از اعضای تیم واندنبرگ بوده است، می‌باشد. نویسنده در این کتاب، کوچک‌ترین اشیاء به دست آمده را نیز بدون شناسایی و تحلیل رها نکرده است و در شناخت مواد در یک چهارچوب گاه‌نگارانه سعی نموده که فقط به یک ماده فرهنگی اکتفا نکند و از مواد فرهنگی همسان و نیز از سایر اشیاء برای تکمیل دانش خود در شناخت آن استفاده نماید.

در سالهای اخیر کاوشها و مطالعات باارزشی توسط خود ایرانیان در جنبه‌های گوناگون عصر آهن ایران انجام گرفته و یا در حال انجام است. نتیجه بعضی از آنها منتشر شده که توانایی محققان ایرانی را در هدایت کاوشها و انجام پژوهشهای پیچیده به اثبات می‌رساند. با این وجود دانش کتاب حاضر را در تکمیل اطلاعات رو به افزایش محققان ایرانی نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا از یک طرف اطلاعات ذی‌قیمتی را از مفرغهای لرستان، که زمانی مهم‌ترین مدارک باستان‌شناسی ایران محسوب می‌شدند، در اختیار می‌گذارد و از طرف دیگر ساختار،

نظم پژوهشی و رویکردهای استنتاجی مؤلف کتاب، ممکن است راهبردهایی را برای محققان جوان ایران به بار آورد. خوانندگان با هر هدفی که به این کتاب مراجعه نمایند، قطعاً بسیار بیشتر از آنچه در اینجا گفته شد، به دست خواهند آورد.

در این کتاب، آثار باستان‌شناختی بی‌شماری مورد بحث واقع شده و از واژگان بی‌شماری نیز استفاده شده است. ما مجبور بودیم برای همه آنها معادل‌های صحیح و رایجی انتخاب نماییم. این کار گاهی با مشکلاتی نیز همراه بود، زیرا کتاب در ابتدا به زبان انگلیسی نگاشته نشده بود و به نظر می‌رسید در ترجمه آن به انگلیسی از واژگان نسبتاً غریبی استفاده کرده‌اند. نوع دیگر مشکلات ترجمه این کتاب، به معادل‌یابی واژگانی مربوط است که برای آنها، قبلاً در فارسی معادل‌سازیهایی صورت گرفته است. ما به ناچار از بعضی معادل‌های پیشین فارسی به همان صورت و به رغم اندک تفاوتی استفاده کردیم و گاهی نیز برای اینکه یک معادل دقیق‌تر انتخاب کرده باشیم، آن را نیز در داخل پرانتز آوردیم. به عنوان مثال معنای واژه *cist tomb*، گورهای جعبه‌ای (صندوقی) است و منظور از آن گورهای سنگی مستطیل‌شکلی است که کاملاً به شکل یک جعبه منظم چهار گوش و از ورقه‌های سنگی به شکل عمودی و افقی یا از سنگهایی با ابعاد متفاوت ساخته شده‌اند. از آنجایی که اندازه سنگها نسبتاً بزرگ و حجیم‌اند، این نوع گورها نیز گورهای کلان‌سنگی لقب یافته‌اند. گرچه ممکن است در اطلاق این نوع گورها به عنوان کلان‌سنگی، با آن دسته از گورهای کلان‌سنگی اورارتویی و یا گورهای کلان‌سنگی گورکانیان نواحی شمال غرب ایران و ناحیه قفقاز از این نظر که آنها از سنگهای بس حجیم‌تری استفاده می‌کرده‌اند، اشکالاتی نیز وجود داشته باشد. مورد دوم خنجرهای پره‌دار یا لبه‌دار است. این واژه فارسی در بعضی نوشته‌ها، معادلی برای *flanged daggers with rim flaps* انتخاب شده است. منظور از آن دو بال فلزی است که از طرفین قبضه بیرون آمده و برای محکم نگه داشتن نشانه روی قبضه، مجدداً روی قبضه تا خورده‌اند. به نظر می‌رسد شاید برای آن، انتخاب قبضه‌های زهواردار یا زهوار لبه مناسب باشد. در توصیف ظروف، هر جایی که از یک واژه انگلیسی برای ظروف متفاوتی استفاده شده بود، مانند واژه *dish* که هم برای بشقاب و هم برای سینی به کار رفته است، ما با توجه به شکل ظرف مربوط، معادل رایج فارسی آن را به کار گرفتیم.

مقدمه

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، اولین مفرغهای سبک لرستان به موزه‌های مهمی چون بریتانیا و لوور رسید. منشأ این مفرغها یعنی لرستان، حتی تا دهه ۱۹۲۰، که تعدادی از آنها به بازارهای عتیقه وارد شده بودند، همچنان ناشناخته باقی مانده بود. پس از این دهه و با کاوشهای گسترده، اشیاء پراکنده زیادی در اختیار پژوهشگران قرار گرفت. عدم اطلاع از هرگونه بافت باستان‌شناختی منطقه، درک اهمیت آثار و شناخت منشأ مردمانی که این اشیاء نفیس را تولید کرده بودند، گرچه غیرممکن نبود، اما کار بسیار مشکلی بود.

تیم باستان‌شناسی بلژیک در ایران جزء معدود هیتهایی است که قادر به ادامه برنامه‌های علمی متوالی در لرستان شده است. این هیئت از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹ توسط مرحوم پروفیسور لویی واندنبرگ رهبری شد. در تمامی این سالها وی مدیریت بررسی و کاوشهای منطقه پشتکوه ایلام را برعهده داشت. این امر به او اجازه داد تا ویژگی منحصر به فرد مفرغهای لرستان را به عصر آهن - دوره‌ای که به طور تقریبی بین ۱۲۵۰/۱۳۰۰ و ۶۰۰ قبل از میلاد قرار دارد - نسبت دهد. عصر آهن لرستان با فرهنگهای قدیمی تر عصر مفرغ این منطقه، دارای گسستی آشکار است و با یک نوع پیشرفت فرهنگی مخصوص به خود روبه‌رو بوده است و هم‌اکنون نیز با ابزارهای مفرغی معروف و متداول خود شناخته می‌شود. این مفرغها منحصر به فرهنگ لرستان بوده و اغلب شامل پیکرکهای مفرغی تزئینی، سلاح، جواهرات و ادواتی چون لگام اسب با انواع گونه‌بندها، دسته‌های سنگی چاقوتیزکن و حلقه‌های یراق است.

از میان زیردوره‌های عصر آهن پشتکوه، عصر آهن متأخر یا عصر آهن III به خوبی فازبندی و شناسایی شده و در دو گزارش نهایی ارائه شده است (Haerinck & Overlaet, 1998 and 1999). هنوز شناخت کاملی از دوره آغازین عصر آهن یا دوره‌های I و II (۱۲۵۰/۱۳۰۰ تا ۷۵۰/۸۰۰ ق.م) حاصل نشده است. این رساله در واقع تلاشی است که برای

شناخت بهتر این زیر دوره - دوره‌ای که ۵۰۰ سال به طول انجامیده است - صورت می‌گیرد. به همین منظور، اطلاعات ۱۱ گورستان از عصر آهن I و II منطقه پشتکوه با مجموع ۱۲۱ گور (بسیاری از آنها دارای تدفین گروهی‌اند) و با بیش از ۱۵۵۰ شیء گردآوری شد. این اطلاعات عموماً از اسناد کاوشهای باستان‌شناسی هیئت‌های بلژیکی در ایران به دست آمده‌اند. بعضی از طرحهای مربوط به ساختار گورها و اشیاء به دست آمده، قبلاً در گزارشهای اولیه به چاپ رسیده‌اند که در اینجا طرحهای مذکور با تمامی فهرستهای اصلی کاوش (کتاب اولیه، طرحهای میدانی و اسناد عکاسی) مقایسه شده و در صورت نیاز اصلاح شده‌اند. تغییر در برخی از طرحهای گزارشهای اولیه به همین علت است. البته باید این نکته را نیز یادآور شد که روش‌شناسی استفاده شده در کاوشهای آن زمان با معیارهای بالایی که امروزه در مستندنگاری رایج است، قابل مقایسه نیست. به عنوان مثال، مستندنگاری برخی از ساختارهای جزئی گورها در گورستانها بسیار غیر معمول انجام گرفته و حتی در برخی موارد نحوه قرارگیری آثار در گورها، یا به طور کامل ثبت نشده و یا مستندنگاری آنها بسیار ضعیف و نامناسب انجام شده است. در کاوشهای اخیر و با افزایش تجربه میدانی، کاوشگران قادر به بهره‌گیری و استفاده از سازوکارهای روزآمد هستند. به رغم تمامی این مسائل، وقتی این بی‌نظمیها به طور صحیحی ارزیابی شوند، تمامی کاوشها می‌تواند منابع اطلاعاتی مهم و شاخصی محسوب گردد. در این نوشته در مراجعه به داده‌های سابق، هرگاه داده‌ها ناقص و یا در صحت آنها تردید وجود داشت، در بخش معرفی مجزای گورستانها، به آنها اشاره شده است. در برخی موارد خصوصیات دقیق ساختار گورها و یا موقعیت محوطه‌ها کاملاً ناقص بوده و فقط به تعداد معدودی از طرحهای ساده از آنها بسنده شده است. از آنجایی که این طرحها تنها اطلاعات موجود محسوب می‌گردند و برای درک بهتر محدودیتها و امکانات داده‌ها، منبع مهمی به شمار می‌روند، تصمیم بر آن شد که آنها را دوباره به همان صورت چاپ و تکثیر نماییم. بدیهی است که همه طرحها و تصاویر استفاده شده از منابع قبلی در این کتاب، دارای کیفیت همسانی نیستند، باین وجود این کار برای تضمین صحت علمی واجب و ضروری به نظر می‌رسید. شیوه ارجاع‌دهی به گورها و اشیاء مورد بحث در صفحات آخر کتاب ذکر شده است.

تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش بر اساس داده‌های هیئت باستان‌شناسی

بلژیکی، شناخت گاه‌نگاری متوالی انواع گونه‌های مختلف گورآوندها و ساختارهای گورها را فراهم کرده است. علاوه بر این، این تحلیلها تصویری کلی از مواد فرهنگی تدفینی عصر آهن I و II پشتکوه را فراهم کرده است.

غیر از هیئت باستان‌شناسی بلژیک در ایران، فقط تعداد محدودی از کاوشهای منطقه لرستان، اطلاعاتی از عصر آهن را فراهم می‌نمایند. برخی از این کاوشها در نیمه نخست و میانه قرن بیستم میلادی انجام گرفته‌اند که اکنون باید در نتایج و تفاسیر آنها تجدیدنظر اساسی اعمال گردد. از آنجا که این داده‌ها برای درک فرهنگ پشتکوه و تفسیر داده‌های هیئت باستان‌شناسی بلژیک بسیار سرنوشت‌ساز بودند، بازنگری آنها نیز تا حد امکان در این نوشته فراهم شده است.

ادبیات باستان‌شناسی علمی منطقه لرستان گرچه بسیار وسیع و منحصر به فرد است، ولی بیشتر مباحث آن را اشیاء عتیقه‌ای تشکیل می‌دهد که در اختیار موزه‌ها و مجموعه‌داران بوده است. ارجاع‌دهی به نظرات دلالت‌ان، اغلب بیش از حد معمول است. با این وجود، ما در اینجا به ناچار منشأ داده‌ها را بر اساس منشی که توسط دلالت‌ان ذکر شده است، بیان کرده‌ایم. گرچه شاید نتوان به لحاظ علمی به این اشیاء خللی وارد کرد، ولی از حیث منطقی خیلی قابل اعتماد نیستند. گرچه در بعضی موارد ما از این اشیاء جهت مقایسه با یافته‌های هیئت باستان‌شناسی بلژیکی استفاده کردیم، ولی آنها را نباید به عنوان مدرکی جهت تعیین گاه‌نگاری اشیاء و یا توزیع جغرافیایی استفاده کرد.

